

بررسی و نقد کتاب قواعد کاربردی زبان عربی

حسین کیانی*

چکیده

نقد و بررسی کتاب‌های درسی دانشگاهی نقش بسیار مؤثری در پیشبرد هدف‌های تعریف شده آموزشی و نیز بازنگری در شیوه‌های آموزش، با توجه به نیاز مخاطب، دارد و باعث می‌شود کتاب‌های آموزشی به هدف‌های تعریف‌شده نزدیک‌تر شود. کتاب‌های درسی دانشگاهی به دلیل مخاطبان خاص خود اهمیت ویژه‌ای دارند و نگارش آن‌ها دقت فراوانی می‌طلبد. با توجه به نیاز برخی رشته‌های علوم انسانی به کتاب‌های صرف و نحو عربی، نقد و تحلیل این کتاب‌ها گامی مؤثر در بهتر شدن شیوه‌های آموزش صرف و نحو است.

از این‌رو کتاب قواعد کاربردی زبان عربی تألیف زهرا ریاحی زمین و سیدفضل‌الله میرقادری انتخاب شد تا با معرفی این کتاب به علاقه‌مندان، ویژگی‌ها و کاستی‌های نگارشی و نگرشی این اثر بررسی شود. بنابراین، پس از مقدمه‌ای در مورد کتاب‌های صرف و نحو عربی، ابتدا کتاب مورد نظر معرفی و سپس به مهم‌ترین ویژگی‌ها و کاستی‌های کتاب اشاره می‌شود.

کلیدواژه‌ها: نقد کتاب، علوم انسانی، زبان و ادبیات عربی، قواعد کاربردی زبان عربی.

۱. مقدمه

فراوانی منابع و آثار تألیفی در زمینه صرف و نحو عربی برای مخاطبان این علم سودمند است؛ به شرط این‌که هر نویسنده از زاویه‌ای جدید به این موضوع پرداخته باشد و شیوه‌ای متفاوت و جدید برای آموزش این موضوع به مخاطب ارائه دهد. اما اگر هدف از نوشتن

* استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه شیراز hkyanee@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۵/۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۷/۴

این گونه کتاب‌ها به درستی تبیین نشده باشد نه تنها سودی نخواهد داشت بلکه علاقه‌مندان صرف و نحو عربی را دچار سردرگمی در انتخاب کتاب‌هایی خواهد کرد که تنها ظاهر متفاوتی دارند.

بیش تر کتاب‌های تألیفی در صرف و نحو عربی در دهه‌های اخیر نوعی رونویسی از کتاب‌های سنتی بوده‌اند و از روش تحقیق علمی و نوآوری بهره‌ای نبرده‌اند. ارائه مثال‌های قدیمی و بی‌روح و پرهیز از آوردن مثال‌های جدید و امروزی و کاربردی از مشخصه‌های آشکار این کتاب‌هاست. افزون بر این، مدتی است جریان ترجمه کتاب‌های پرآوازه صرف و نحو عربی رواج یافته است و این بازار داغ جیب‌های تاجران علم را پر از سکه‌هایی کرده است که صدایشان امکان شنیدن نقدها را مشکل می‌سازد.

چیزی که امروزه متخصصان آموزش زبان بر آن تأکید دارند، آموزش قواعد کاربردی زبان بر اساس نیاز مخاطبان است. بدین گونه که ابتدا می‌بایست با توجه به مخاطب کتاب، نیازسنجی لازم صورت پذیرد و سپس قواعد کاربردی زبان با اهداف ویژه تألیف شود. اما متأسفانه سالانه شاهد نشر کتاب‌های صرفی و نحوی فراوانی هستیم که بدون توجه به هدف‌های آموزشی روانه بازار کتاب می‌شوند و در آن‌ها از نوآوری خبری نیست. هرچند در چند سال اخیر کتاب‌هایی در زمینه کاربردی کردن دستور زبان عربی نوشته شده است که تا حدی انتظارات را برآورده ساخته است و از بار مشکلات کاسته است، اما هنوز جای خالی کتاب‌هایی روش‌مندتر در این زمینه به‌خوبی احساس می‌شود.

یکی از کتاب‌هایی که در زمینه قواعد کاربردی زبان عربی تألیف شده است کتابی است با همین نام، نوشته زهرا ریاحی زمین و سیدفضل‌الله میرقادری که در سال ۱۳۸۴ به همت دانشگاه شیراز منتشر شد.

نگارنده این نوشتار سال‌ها به تدریس صرف و نحو با اهداف خاص برای رشته‌های گوناگون پرداخته است و تا حدودی به مشکلات این درس آگاه است و بر این باور است که هرچه اثری پیراسته‌تر باشد، مقبول‌تر خواهد بود. بنابراین، به پاره‌ای از ویژگی‌ها و کاستی‌های این کتاب اشاره می‌شود، امید است که این بررسی‌ها در پیراستگی چاپ‌های بعدی سودمند باشد.

۲. شکل ظاهری کتاب

این کتاب شامل یک پیش‌گفتار ۶ صفحه‌ای و ۴۷ درس است و افزون بر این از

کتاب‌نامه‌ای از مصادر و منابع برخوردار است. طرح جلد آن مناسب و مزین به نشان (آرم) دانشگاه شیراز است. عنوان کتاب (در چاپ اول) با خط درشت در زمینه آبی نوشته شده است و در قسمت پایین جلد سال چاپ آمده است. اگرچه رنگ آبی جلد آرامش و ویژه‌ای به مخاطب می‌دهد ولی پیشنهاد می‌شود در چاپ بعدی تصویر یا جملاتی در موضوع زبان عربی به‌منزله پس‌زمینه رنگ آبی قرار داده شود و برای این کار از آبی کم‌رنگ استفاده شود. صفحه‌آرایی مناسب، داشتن سرصفحه و شماره صفحات و وجود عنوان برای هر درس بر زیبایی و جذابیت کتاب افزوده است. البته بیان این نکته ضروری است که نویسندگان محترم در چاپ دوم و سوم تغییری در مطالب کتاب نداده‌اند و فقط رنگ جلد کتاب را به رنگ سبز تغییر داده‌اند.

۳. فهرست گنجانده‌ها

قبل از پیش‌گفتار عبارت «فهرست گنجانده‌ها» با خطی درشت بیان‌گر وجود فهرست برای اثر است. در چاپ اول تنها شماره درس در این فهرست گنجانده شده است، ولی در چاپ‌های بعدی عنوان‌های درس نیز اضافه شده است:

اسم و فعل و حرف، معرب و مبنی، کلمات معرب و انواع اعراب، کلمات مبنی و انواع بناء، فاعل، نائب فاعل، مبتدا و خبر، نواسخ مبتدا و خبر «افعال ناقصه»، حروف مشبیه بالفعل، افعال مقاربه، حروف شبیه به لیس، لای نفی جنس، مفعول‌به، تعدد مفعول‌به، اسم فعل، اسم فاعل، اسم مفعول، صفت مشبیه، مصدر، فعل تعجب، تحذیر و اغراء، اختصاص، اشتغال، تنازع، منادی، استغاثه، ندبه، ترخیم، مفعول مطلق، مفعول‌فیه، مفعول‌له، مفعول‌معه، مستثنی، حال، تمییز، عدد، کنایات، مدح و ذم، مجرورات ۱ (حروف جر)، مجرورات ۲ (مضاف‌الیه)، توابع (نعت)، تأکید، بدل، عطف بیان، عطف نسق، حروف و جمل، حکایت.

عنوان درس‌ها نشان از آن دارد که در قرار گرفتن درس‌ها ترتیب منطقی رعایت شده است، به‌گونه‌ای که در ابتدای بحث اعراب مطرح شده و در پی آن مرفوعات، منصوبات، مجرورات و توابع آمده است. اما یادآوری چند نکته لازم است: اگر تعداد درس‌های معرب و مبنی از ۳ درس به ۲ درس کاهش می‌یافت و به جای آن درس مبحث حال در دو درس مطرح می‌شد بهتر بود. دیگر این‌که، اگر در بحث نواسخ تقسیم‌بندی بر اساس عمل نواسخ یا نوع آن‌ها بود روش منطقی‌تری به نظر می‌آید. درضمن، بهتر است عنوان درس مستثنی به استثنا تغییر یابد.

۴. پیش‌گفتار

در پیش‌گفتار پس از مطلبی در مورد فراوانی کتاب‌هایی با نام‌های گوناگون در صرف و نحو عربی، پرسشی در مورد نیاز جامعه به تألیف کتاب صرف و نحو مطرح شده است. مؤلفان محترم نوشته‌اند: «با وجود کتاب‌های فراوان صرف و نحو عربی آیا باز هم برای نگارش کتاب دیگر مجاللی است» (ریاحی زمین و میرقادری، ۱۳۸۴: «ت»). ایشان نظر خود را در موفق نبودن این کتاب‌ها بیان کرده و بر این باورند که باید روش از شکل غیرکاربردی به کاربردی تغییر یابد. بنابراین، به دفاع از آموزش کاربردی قواعد زبان عربی برای فهم متون پرداخته و هدف کار خود را آموزش زبان عربی با بیانی ساده و دقیق و به شیوه‌های کاربردی بیان کرده‌اند.

در ادامه پیش‌گفتار ویژگی‌های کتاب بدین شرح دسته‌بندی شده است:

۱. آموزش قواعد به صورت غیر مستقیم و فشرده ضمن تحلیل نمونه‌ها و تطبیق‌ها؛
۲. تأکید بر زیادی نمونه‌ها و مثال‌ها؛
۳. تدریس صرف در ضمن نحو؛
۴. ترجمه جمله‌های کتاب توسط دانشجو زیر نظر استاد؛
۵. حذف مباحث تکراری‌ای که دانشجویان در دوران دبیرستان آموخته‌اند.

در پایان پیش‌گفتار به دو نکته دیگر نیز اشاره می‌شود: نخست این‌که، روش تدریس این کتاب دانشجوی محور و مبتنی بر شیوه اکتشاف و بحث و گفت و شنود است و همپاری فعالانه دانشجویان در امر تدریس می‌تواند زمینه آموزش مناسب‌تر را فراهم سازد. دیگر این‌که، مخاطبان این کتاب همه کسانی هستند که می‌خواهند، همچون دانشجویان رشته‌های زبان و ادبیات فارسی، زبان و ادبیات عربی، الهیات و معارف اسلامی، حقوق و تاریخ، یک دوره قواعد زبان عربی را به صورت کاربردی و عینی فراگیرند.

نویسندگان کاربردی بودن کتاب را بدین معنا می‌دانند که خواننده را در پیچ و خم قواعد گسترده و ریزه‌کاری‌هایی که در خواندن، درک و فهم، ترجمه و تذوق متون گوناگون کاربرد عملی ندارند، غرق و حیران نمی‌کند.

برخلاف بسیاری از کتاب‌های دیگر، نویسندگان این کتاب در سه بخش نمونه‌ها، تطبیق و تمرین از ارائه هیچ الگو و نمونه‌ای چه ساده و چه دشوار خودداری نکرده‌اند؛ به طوری که خواننده پس از مشاهده این الگوها با الگوی جدید و شگفتی در خلال متون گوناگون روبه‌رو نخواهد شد.

نویسندگان کتاب گاهی کاربردی بودن کتاب را فراموش کرده‌اند و به مواردی پرداخته‌اند که هدف آن‌ها را برآورده نمی‌سازد. در قسمت کاستی‌های کتاب به نمونه‌هایی از این قبیل اشاره شده است.

نویسندگان بر این باورند که با گسترش علوم گوناگون و تنگ‌حوصلگی فراگیران، کاربردی کردن قواعد زبان و روش مند کردن آن ضروری است و شایسته نیست که حافظه فراگیران زبان از قواعدی پر شود که کاربردی در فهم متون ندارند. بنابراین، لازم است قواعدی بررسی شود تا مخاطب احساس کند هنگام خواندن متون دیگر این قواعد یاری‌گر اوست.

۵. ساختار کلی کتاب

مباحث کتاب در چهار بخش ارائه شده است:

۱,۵ نمونه‌ها

این بخش شامل جمله‌ها و الگوهای کلی و عمده و مطالب اصلی درس است که فراگیر پیش از یادگیری قواعد آن‌ها را مشاهده و تحلیل می‌کند.

۲,۵ بیان

با توجه به نمونه‌ها قواعد به صورت چکیده بیان شده است. در این بخش تلاش شده است قواعدی مطرح شود که فراگیر بیش‌تر با آن‌ها سروکار دارد. قواعد مطرح‌شده برای حفظ نیست، بلکه تنها آگاهی از آن‌ها موجب می‌شود که با مشاهده مثال‌ها به طور غیر مستقیم آموزش صورت گیرد.

۳,۵ تطبیق

در این بخش مثال‌هایی ارائه و تجزیه و تحلیل شده است و تلاش بر این بوده که ترتیب منطقی جمله‌ها و عبارت‌ها از ساده به پیچیده رعایت شود و ضمن آن نکات جدیدی تدریس شود.

۴,۵ تمرین

در این بخش تمرین‌های گوناگون و بسیاری وجود دارد که حل آن‌ها بر پایه مطالب آموزش داده شده است. فراگیر، به کمک مطالبی که در بخش بیان و تطبیق آموخته است، می‌تواند تمرین‌ها را به آسانی حل کند. برای پیوستگی مطالب نخستین تمرین در هر درس مربوط به مطالب درس گذشته است.

۶. ویژگی‌های کتاب

عنوان کتاب خود دلیل بر دقت نویسندگان و پایبندی آنان به باورشان در توجه به کاربردی کردن دستور زبان عربی است، چرا که در پیش‌گفتار هدف اصلی‌شان را کاربردی کردن قواعد زبان عربی می‌دانند.

تدریس دستور زبان عربی با روش بررسی نمونه‌ها، تطبیق‌ها و تمرین‌ها هدف دانشجو محور بودن کتاب را تأمین می‌کند، به گونه‌ای که در قسمت بیان با اشاره‌ای کوتاه خواننده را به تأمل در نمونه‌ها واداشته تا از طریق اکتشاف به جواب برسد.

مطالب کتاب از نظم و انسجام منطقی برخوردار است، نزدیکی تنگاتنگ کتاب با ارزش‌های اخلاقی و اسلامی و استشهاد فراوان به آیه‌های قرآنی و روایات و شعرهای حکمی اعتبار خوبی به اثر داده است.

نویسندگان آموزش زبان را از طریق قواعد فراموش نکرده‌اند چنانچه در آخر هر درس به تناسب تمرین‌هایی وجود دارد که دانشجو را در جمله‌نویسی و انشانویسی با تکیه بر دستور همان درس تقویت می‌کند.

استفاده از تمرین‌های نقطه‌چین و جواب کوتاه، که مستلزم درک و فهم عمیق و کاربردی قواعد است، از ویژگی‌های برتر کتاب به حساب می‌آید.

نمونه‌ها، تطبیق‌ها و تمرین‌های کتاب از نظر محتوا نظم ویژه‌ای دارد، به گونه‌ای که ترتیب آن‌ها از ساده به سخت است.

در درس‌های ۱۶، ۱۷، ۱۸، و ۱۹ نویسندگان با زبانی ساده و با آوردن مثال‌های جدید و تحلیلی شبه‌فعل‌ها را به خوبی برای خواننده روشن ساخته‌اند.

نقاط قوت کتاب زیاد و بر پژوهش‌گران پنهان نیست. می‌توان مهم‌ترین ویژگی‌های مثبت کتاب را در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. رعایت نظم منطقی و انسجام مطالب کتاب؛
۲. روزآمد بودن و برخورداری از نوآوری؛
۳. جامعیت کتاب در بیان قواعد کاربردی زبان عربی؛
۴. روان و رسا بودن عبارات و مطالب کتاب؛
۵. رعایت قواعد ویرایش و نگارش؛
۶. دربرداشتن پیش‌گفتار فراگیر در بیان هدف، ویژگی، مخاطبان، فهرست مطالب، و منابع؛
۷. مناسب بودن کتاب برای تدریس در رشته‌های زبان و ادبیات عربی (به‌ویژه در درس تمرین صرف و نحو)، زبان و ادبیات فارسی، الهیات و معارف اسلامی، حقوق، و تاریخ. البته در رشته حقوق و تاریخ بیان نمونه‌ها و تطبیق آن‌ها کافی است؛ زیرا در این رشته‌ها واحدهای درسی کم‌تری به این درس اختصاص داده شده است.

۷. کاستی‌های نگارشی و نگارشی کتاب

از ویژگی‌های برتر کتاب که بگذریم، خوانندگان علاقمند به مباحث صرفی و نحوی در ضمن مطالعه کتاب با برخی اشکالات ساختاری و محتوایی برخورد می‌کنند. بیان این موارد می‌تواند در چاپ‌های بعدی اثرگذار باشد. البته حجم زیاد کتاب مانع از بیان تمامی اشکالات به‌ویژه اشکالات ساختاری در این نوشتار بیان شده است. در این جا سعی شده که حداقل یک یا دو نمونه ذکر شود. یادآوری این نکته لازم به‌نظر می‌رسد که در این نقد و بررسی بیش‌تر به کاستی‌های کتاب اشاره می‌شود؛ زیرا نقاط قوت کتاب بر استادان و پژوهش‌گران پوشیده نیست. بنابراین، بیان کاستی‌ها دلیل بر نبودن نقاط قوت در این اثر نیست.

در تألیف کتاب‌های درسی دانشگاهی باید دقت کافی به‌کار رود تا در محتوای کتاب و سبک نگارش و حروف‌چینی اشکال‌های کم‌تری باشد. دانشجویان به کتاب‌های درسی خود اطمینان دارند؛ اگر غلط‌های چاپی و محتوایی در کتاب زیاد باشد اعتماد دانشجویان به آن کم می‌شود. اشتباهات حروف‌نگاری در این اثر قابل چشم‌پوشی نیست و عدم بهره‌گیری از تنوع و ضخامت قلم‌ها روشن است.

نداشتن رویه ثابت در نقطه‌گذاری «یاء» بزرگ یکی از اشکال‌های چاپی کتاب است. اصولاً در کتاب‌های چاپ مصر مانند کتاب‌های چاپ ایران «یاء» بزرگ بدون نقطه نوشته می‌شود، نقطه‌گذاری «یاء» بزرگ در کشورهای دیگر همچون لبنان و عراق مرسوم است.

این امر در مورد شیوه نگارش قرآن استثنا است و در آن هیچ‌گاه «یاء» بزرگ نقطه‌گذاری نمی‌شود (قدوری الحمد، ۱۴۰۲: ۵۵۶). نقطه‌گذاری نکردن در خصوص «تاء» مربوطه نیز در کتاب مورد بحث مشهود است. همچنین در علائم همزه وصل و قطع نظم و نسق خاصی بر کتاب حاکم نیست، گویی کار به سلیقه حروف‌چین واگذار شده است. چنین نامنظم نمونه‌ها، تمرین‌ها و تطبیق‌ها یکی دیگر از اشکال‌های کتاب است، به طوری که بعضی از جملات شماره‌گذاری نشده یا به فاصله کمی روبه‌روی هم نوشته شده‌اند. این امر باعث خستگی و ملالت خواننده می‌شود. هرچند استفاده از شعر شاعران برای استشهاد از امتیازات این کتاب است ولی در مورد استفاده از اشعار عربی ذکر چند نکته ضروری است:

۱. شعرها بر اساس فرمول ویژه شعر در سامانه حروف‌چینی تنظیم نشده است؛ بنابراین، گاهی فرق بین شعر و نثر در کتاب مشخص نیست (صفحه ۱۴۸، تمرین «پ»، شماره ۱).
۲. از آن‌جا که در پیش‌گفتار گفته شده است که کتاب برای تدریس رشته‌های زبان و ادبیات فارسی، الهیات، حقوق، و تاریخ مناسب است، بنابراین، اگر تمام شعرها در قسمت تمرین قرار داده شود بهتر است؛ زیرا بررسی نقش اعرابی بعضی از کلمات شعرها در متن درس خارج از حوصله دانشجویان این رشته‌هاست.
۳. در بیش‌تر موارد به سراینندگان شعر یا منبع مورد استفاده اشاره‌ای نشده است. اگر در این کار یک‌نواختی رعایت شود نظم خاصی به کتاب می‌دهد؛ هرچند که ذکر منبع نمونه‌های ذکرشده ضروری است (صفحه ۶۸ قسمت «ب» و «ت» از تطبیق ۲، صفحه ۱۲۰ قسمت «پ» و «ث» از تطبیق ۲ و صفحه ۱۵ قسمت «الف» از نمونه‌ها).
۴. در برخی از تمرین‌های صرف و نحو معمولاً خواسته می‌شود که تغییراتی از قبیل حذف یا اضافه کردن انجام گیرد و موارد مربوط به سؤال جملات روزمره است و از آیه‌های قرآنی و حدیث‌ها و روایت‌های نقل‌شده از پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) نیست. نویسندگان کتاب مورد بحث این قاعده کلی را رعایت کرده‌اند، به‌جز در صفحه ۶۹ تمرین «الف»، شماره‌های ۱ تا ۵. امید است در چاپ‌های بعدی با تغییر این تمرین بر غنای کتاب بیفزایند.
۵. نبود رویه مناسب در ارائه اسناد و ارجاعات و همچنین استفاده نکردن از پراکنده‌های گل‌دار، که نشانه ارجاع به آیات قرآنی است از دیگر اشکال‌های کتاب مورد بحث به‌شمار می‌رود.

۶. اشکالات اعراب‌گذاری و جابه‌جایی حرکات و علائم و نمونه‌های دیگر از جمله ضعف‌هایی است که از اعتبار علمی کتاب می‌کاهد. در زیر به بعضی از این موارد اشاره می‌شود:
 - در جمله «استنزلوا الرزق بالصدقه» (نهج البلاغه، ۱۳۸۱: حکمت ۱۳۷) فعل «استنزلوا» بدون اعراب‌گذاری نوشته شده است (صفحه ۶، قسمت «پ» تطبیق). در قسمت جواب آمده است که فعل امر مبنی بر ضم است که خود جای بحث است؛ اگر در جواب فعل را به شکل امری و مبنی بر ضم بخوانیم اشتباه است. همچنین اگر به شکل فعل ماضی خوانده شود معنای آن با توجه به حکمت نهج البلاغه درست نیست. نبود اعراب‌گذاری در بعضی از جملات این اشکال را در پی دارد.

- در صفحه ۱۱، ستون دوم تطبیق، سطر ۴، «یعلمون» را فعل مضارع، معرب مرفوع به ضمه دانسته‌اند، در حالی که مرفوع به ثبوت نون است.

- در صفحه ۱۶، قسمت بیان، سطر ۶، فعل «لیخشن» را مبنی بر حذف حرف عله دانسته‌اند، در صورتی که فعل مضارع مجزوم به حذف حرف عله است. همچنین در صفحه ۴۶، ستون اول تطبیق، سطر ۱۲، فعل «لم یکن» را مبنی بر سکون دانسته‌اند، در صورتی که مضارع مجزوم است.

- در صفحه ۱۷، ستون اول تطبیق، سطر ۷ و ۸، فعل «کلوا» و «اشربوا» مبنی بر ضم دانسته شده، که مبنی بر حذف نون است.

- در صفحه ۵۳، ستون دوم تطبیق، سطر ۲، کلمه «بیروت» مجرور به اعراب فرعی است، در حالی که آن را مجرور به حرف جر دانسته‌اند.

- در صفحه ۵۵، ستون اول تطبیق، سطر ۸، در جمله «أیقنت أن ستنجح» حرف «أن» را غیر عامل دانسته‌اند، در صورتی که با توجه به توضیحات همان صفحه و بعد از آن حرف «أن» عامل است.

- در صفحه ۶۶، ستون اول تطبیق، سطر ۴، فعل مضارع «ینقضی» را در عبارت «کاد النهار ینقضی» تقدیراً مرفوع دانسته‌اند، در حالی که فعل مضارع مرفوع به ضمه مقدر و اعراب آن محلاً منصوب است. همچنین در صفحه ۶۷، ستون ۱ تطبیق، سطر ۵، فعل «ینتهی» و در سطر ۱۷ فعل «یشفی» منصوب به فتحه مقدره درست است و اعراب آن‌ها محلاً منصوب است.

- در صفحه ۷۴، تطبیق ۱، قسمت «ب»، در جمله «ما أحدٌ أقربُ إلی منک» واژه «أقرب» صحیح است.

- در صفحه ۸۳، در بحث صفت اسم لای نفی جنس پراکندگی در بیان موضوع و ناهماهنگی در مثال و قاعده وجود دارد.
- در صفحه ۸۵، ستون اول تطبیق، سطر ۱۲، در جمله «لاطیببَ أسنان عندنا» واژه «طیب» اسم لای نفی جنس مبنی بر فتح محلاً منصوب دانسته شده که «اسم لای نفی جنس و منصوب» صحیح است.
- در صفحه ۸۶، ستون اول تطبیق ۲، سطر ۴، در جمله «فلارفت و لافسوق و لاجدال فی الحج»، «لا» در «لافسوق» عطف دانسته شده است. بهتر آن است که لای زائده برای تأکید محسوب شود.
- در صفحه ۸۶، ستون ۲، تطبیق ۲، سطر ۴، در جمله «قالوا لاضریر إنا إلی ربنا منقلبون» یکبار «إلی ربنا» و یکبار «منقلبون» را خبر «إن» دانسته‌اند، در صورتی که «منقلبون» خبر است.
- در صفحه ۸۷، ستون اول تطبیق ۲، سطر ۱۲، «سی» در مثال «أحبُّ الکتبَ لاسیما کتبُ الأدب» اسم لای نفی جنس و معرب است، چون «ما» در لاسیما موصول گرفته شده و مضاف‌الیه است، در حالی که در کتاب مورد بحث مبنی بر فتح محسوب شده است.
- در صفحه ۱۰۳، ستون دوم تطبیق، سطر ۷، در جمله «أعطیت الکتابَ صاحبَه» واژه «صاحب» را مفعول دوم گرفته‌اند که درست آن مفعول به اول است.
- در صفحه ۱۱۸، ستون دوم تطبیق ۱، سطر اول، در عبارت «جاءَ القائدُ الفاتحُ البلدَ» واژه «البلد» مفعول برای «القائد» به حساب آمده است که درست آن مفعول به برای «الفتاح» است.
- در صفحه ۱۱۹، ستون اول تطبیق ۱، سطر ۵، در جمله «هذا حصان آکلُ تبناً»، «تبناً» منصوب است، ولی آن را مرفوع دانسته‌اند. همچنین در همین صفحه، ستون ۲، تطبیق ۱، «الجاهلون» مرفوع به واو است که مرفوع به ضمه ذکر شده است.
- در صفحه ۱۳۹، تمرین «ث»، از فراگیر خواسته شده است که جملات را اعراب‌گذاری کند، این در حالی است که تمام تمرین اعراب‌گذاری شده است.
- در صفحه ۱۴۵، سطر اول، «ضرباً اللص» درست است که به اشتباه «ضرباً اللص» آمده است.
- در صفحه ۱۴۵، در قسمت «پ» تطبیق، جمله «ساءنی إکرامک الکتیر عدوً أخی» مصدر عامل دانسته شده است، اما با استناد به کتاب *النحو الوافی* (۱۹۶۹: ۳/۲۱۶) و *مبایذ العربیة* (الشرتونی، بی تا: ۴/۲۵۷) در این مثال مصدر عمل نمی‌کند.
- در صفحه ۱۵۲ عنوان شده است که متعجب‌منه حتماً باید معرفه باشد و اگر نکره آمد

لازم است با داشتن صفت تخصیص داده شود، اما در مثال قسمت «ج»، صفحه ۱۵۱، در جمله «أَحْسِنُ بَدَقٍ» این قاعده نقض شده است.

- در صفحه ۱۵۲ از سطر ۹ به بعد غلط حروف چینی فراوان یافت می شود. توجه نویسندگان محترم به این صفحه جلب می شود. از آن قبیل است: زیدٌ دَحْرَجٌ، حَمْرٌ، حَسَنٌ.

- در صفحه ۱۵۴، ستون اول تطبیق، سطر اول، در جمله «أَكْرَمُ بِهَا أَرْضًا» فاعل أَكْرَمُ ضمیر مستتر «انت» گرفته شده است که درست آن جارو مجرور در محل رفع فاعل آن است.

- در صفحه ۱۵۵، تمرین «الف»، شماره ۳، شکل صحیح جمله «إِهَانَهُ سَعِيدٌ خَالِدًا رَذِيلَةً» چنین است «إِهَانَهُ سَعِيدٌ خَالِدًا رَذِيلَةً».

- در برخی از درس ها شکل کاربردی در آموزش قواعد فراموش شده است. جا دارد نویسندگان محترم در موارد زیر به آموزش کاربردی توجه کنند. برای مثال می توان به بحث توابع منادی (صفحه ۱۹۰)، حذف عامل مفعول مطلق (صفحه ۲۱۳)، جانشین مفعول مطلق (صفحه ۲۱۴)، بحث مجرور به مجاوره (صفحه ۳۴۲) و درس حال (صفحه ۲۶۸ تا ۲۷۸) اشاره کرد.

- در صفحه ۲۱۷، ستون دوم تطبیق ۱، سطر ۷، در جمله «أَكَلْتُ كَثِيرًا» اعراب «كثيراً» مفعول مطلق به حساب آورده شده، در حالی که جانشین مفعول مطلق درست است. همچنین است در صفحه ۲۱۸، ستون ۲، تطبیق ۱، سطر ۲.

- در صفحه ۲۳۷، قسمت «ث»، با توجه به توضیحات سطر ۶، که علت انجام نشدن کار مورد نظر است، جمله باید به شکل منفی نوشته شود: «ما انا قادم طلباً لجدواک».

- در صفحه ۲۳۸ در تعریف مفعول له قلبی بودن مصدر مطرح نشده است.

- در صفحه ۲۴۵ در بحث مفعول فیه اگر این دو اسلوب پرکاربرد «کیف انت و النحو» و «ما أنت و الطب» آورده می شد بحث کامل تر بود.

- در صفحه ۲۵۴، سطر ۱۷، چنین آمده است: «... هرگاه مستثنی تام، متصل، ولی منفی است، در مورد اعراب مستثنای متصل تام منفی، دو حالت جایز است: ۱. نصب مستثنی ۲. رفع مستثنی به عنوان بدل از مستثنی منه»، در حالی که در قسمت دوم باید نوشته شود «بدل از مستثنی منه».

- در صفحه ۲۵۵، سطر ۱۳، در بحث «خلا و عدا و حاشا» آمده است که اگر پس از آن ها منصوب باشد فعل بدون فاعل اند. با توجه به کتاب مبادی العریبۃ فاعل آن ها ضمیر مستتر برخلاف اصل است. باز در همین صفحه «ما» در «ماخلا و ماعدا و ما حاشا» زائد

گرفته شده است که اجماع علمای نحو بر مصدری بودن آن است؛ کلمه بعد از «ما» فعل شمرده می‌شود، چرا که «ما»ی زائده بر حروف وارد نمی‌شود و همچنین اسم بعد از آن مستثنی گرفته شده که مفعول گرفتن آن درست‌تر است (الشرتونی، بی‌تا: ۳۲۵).

- در صفحه ۲۵۶، بحث «لاسیما» ناقص مطرح شده است که اگر کامل و در جدولی آورده می‌شد تدریس آن راحت‌تر می‌بود.

- یکی دیگر از اشکال‌های کتاب به چگونگی تدریس مبحث «حال» باز می‌گردد. اختصاص ۳۰ صفحه به بحث حال و آن هم پشت سر هم بدون تمرین و تطبیق، تدریس را با مشکل روبه‌رو می‌کند. این در حالی است که میانگین صفحات درس‌های قبل و بعد از آن ۱۰ صفحه است. پیشنهاد می‌شود این درس در دو قسمت تحت عنوان «حال ۱» و «حال ۲» مطرح شود، در درس اول بحث‌هایی چون حال مفرد و جمله، صاحب حال، مطابقت حال با صاحب حال، معرفه و نکره بودن حال، و جامد و مشتق بودن آن با روش حاکم بر کتاب مطرح شود. در درس دوم مطالب عامل حال، حذف حال و ذوالحال و عامل تقدیم و تأخیر ذوالحال و عامل و رابط حال مطرح شود. البته بهتر است این کار همراه با مثال‌های جدید و امروزی و پرهیز از مثال‌های بحث برانگیز که هنوز نحویان بر سر آن به توافق نرسیده‌اند مانند «اشتریت الساعه فضه» باشد. این در حالی است که اشکالات مثال‌های موجود در کتاب بر خواننده پوشیده نیست.

- در صفحه ۳۴۰، «کاف» را از حروف جر شبه‌زائد گرفته‌اند، این در حالی است که کتاب‌های مهم صرف و نحو به آن اشاره‌ای نکرده‌اند. بهتر این بود که به مرجع این موضوع اشاره می‌شد. در همان صفحه در بحث متعلق جار و مجرور در سطر ۳ کلمه «وجوباً» نیز از قلم افتاده است.

- در صفحه ۳۴۳، «کاف اسمی» کاربردی نیست، بهتر است به جای آن «کاف زائد» آورده شود.

- چنان‌که پیش‌تر گفته شد، کتاب دارای کتاب‌نامه‌ای است که منابع و مأخذ این اثر در آن آورده شده است؛ به نظر می‌رسد این قسمت از دقت لازم برخوردار نیست. در متن کتاب بعضی از مأخذ و منابع ذکر شده‌اند، در حالی که نام و نشان آن‌ها در فهرست منابع نیامده است. از این قبیل‌اند: لامیه العجم مؤالدین طغرانی، غررالحکم، تحف العقول، بحارالانوار، کنز العمال، دیوان امرئ القیس، تنبیه الخواطر سهروردی، دیوان زهیر بن ابی سلمی، قطوف مختاره، بئینه، کلیات سعدی، دیوان متنبی.

- در نوشتن نشانه‌های تاریخ هجری شمسی و قمری رویه ثابتی وجود ندارد و روش‌ها چنین است: ۱. ه. ش. ۲. ه. ش. ۳. ه. ش. ۴. ه. ق. ۵. ه. ق.
- در پاره‌ای صفحات شماره آیه یا شماره حکمت *نهج البلاغه* یا به اشتباه درج شده یا به آن اشاره‌ای نرفته است. به چند مورد اشاره می‌شود:

الف) در صفحه ۶۲، سطر ۱۶، شماره آیه «الانعام: ۴۵۱» است که درج نشده است.
ب) در صفحه ۳۵، در پانویشت شماره آیه اول «الاعراف: ۲۶» و آیه دوم «الحاقه: ۱» است.
پ) در صفحه ۴۸، تمرین «الف»، شماره ۳، شماره حکمت ۱۷۳ است که ۱۷۲ درج شده است.

ت) در صفحه ۶۲، سطر ۱۶، شماره آیه ۵۴ است که ۴۵ درج شده است.
ث) در صفحه ۱۲۲، تمرین «الف»، شماره ۵، کلمات قصار ۷۷ است که خطبه ۷۷ درج شده است.

ج) در صفحه ۱۴۰، تمرین «پ»، شماره ۳، حکمت ۳۳۳ است که حکمت ۳۹۷ درج شده است.

چ) در صفحه ۲۰۰، قسمت تطبیق لام بر سر مستغاث زائد دانسته شده است، در حالی که صاحب *النحوالوافی* بر این باور است که اصلی است و اصلی بودن آن به صحیح‌تر است (۱۹۶۹: ۷۷/۴).

خ) استفاده از حروف الفبای فارسی در تقسیم‌بندی جملات در نمونه‌ها و تمرین‌ها از دیگر اشکالات کتاب است، حال آن‌که استفاده از حروف ابجدی مرسوم و معمول است.

۸. نتیجه‌گیری

با گسترش علوم گوناگون و تنگ‌حوصلگی فراگیران این علوم، تدوین کتاب‌های روش‌مند و آموزشی با هدف کاربردی کردن این علوم امری ضروری به نظر می‌رسد. کتاب *قواعد کاربردی زبان عربی* در پی دستیابی به همین هدف به نگارش درآمده است. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که این کتاب در رسیدن به هدف خود موفق بوده است.

مهم‌ترین ویژگی‌های این کتاب عبارت‌اند از: رعایت نظم منطقی و انسجام مطالب کتاب، روزآمد بودن و برخورداری از نوآوری، جامعیت کتاب در بیان قواعد کاربردی زبان عربی، روان و رسا بودن عبارات و مطالب کتاب، آموزش قواعد به صورت غیر مستقیم و فشرده ضمن تحلیل نمونه‌ها و تطبیق‌ها، تأکید بر زیادی نمونه‌ها و مثال‌ها.

در پایان پیشنهاد می‌شود تا نویسندگان کتاب به مطالبی که به‌مثابه کاستی در کتاب در این مقاله به آن اشاره شده است توجه کنند و پس از تصحیح و برجسته کردن جنبه کاربردی برخی درس‌ها به چاپ بعدی کتاب اقدام کنند.

منابع

قرآن کریم.

حسن، عباس (۱۹۶۹ م). النحو الوافی، قاهره: دارالمعارف.

ریاحی‌زمین، زهرا و سیدفضل‌الله میرقادری (۱۳۸۴). قواعد کاربردی زبان عربی، شیراز: دانشگاه شیراز.

الشرتونی، رشید (بی‌تا). مبادئ العربیة، بیروت: المطبعة الكاثولیکية.

قدوری‌الحمد، غانم (۱۴۰۲ ق). رسم المصحف، اللجنة الوطنیه للاحتفال بمطلع القرن الخامس عشر الهجری، بغداد.

نهج‌البلاغه (۱۳۸۱). ترجمه محمد دشتی، قم: الهادی.

